



به نام خداوند جان و خرد

فهرست مطالب

3	پیش گفتار.....
4	تصویری از یادمان فضولی در باکو.....
5	مقدمه.....
9	درباره شعر و شاعری فضولی.....
11	آثار فضولی.....
30	شرح لغات و اصطلاحات.....
248	نتیجه گیری.....
250	منابع و ماخذ.....
252	فهرست لغات و اصطلاحات عرفانی، فلسفی و کلامی.....

پیش‌گفتار

ادبیات فارسی دریای بیکرانی است که هر کس به تناسب اندیشه‌ها و دریافت‌ها و استعداد خود می‌تواند از آن، مروارید سخن صید کند. بدون شک فهم ادبیات فارسی با کلیت آن کاری نشدنی و غیر ممکن است. و باید به تناسب ذوق و سلیقه دنبال شخصیت‌ها و موضوعات مورد علاقه خود گشت و در آن باره تحقیق و تفحص کرد. یکی از شاعران بزرگی که انصافاً در عرصه زبان و ادبیات فارسی مظلوم و ناشناخته مانده است مولانا ملا حکیم محمد فضولی است. به علت سه‌زبان بودن آثار او و نیز غریب افتادن او در بیرون از مرزهای فعلی خاک ایران، در زبان فارسی اهمیت متناسب با شخصیت و مقام او داده نشده است و نیز تحقیقات و پژوهش‌های شایان توجهی درباره این شخصیت بزرگ تا به حال انجام نشده است. البته لازم به ذکر است که تحقیقات با ارزش و خوبی، مخصوصاً در سال‌های اخیر انجام گرفته است؛ ولی به نظر ما این مقدار نسبت به شخصیت بزرگ او ناچیز است. همچنین درباره آثار ترکی و عربی او نیز تحقیقات قابل قبولی انجام نشده است. نگارنده در این تحقیق کوشیده است تا به اندازه توانایی‌ها و وسع خود درباره دیوان فارسی و ترکی او کاری انجام دهد تا حداقل یکی از جنبه‌های علمی و ادبی او را روشن کرده باشیم. در این تحقیق ما اصطلاحات عرفانی، کلامی و فلسفی را در هر دو دیوان وی جستجو کردیم و همه آنها را فیش‌برداری کردیم. در مرحله دوم این فیش‌ها را طبقه‌بندی کردیم و هر اصطلاحی را جداگانه در یک جا جمع کردیم. بعد از اینکه همه فیش‌های یک اصطلاح در یک جا گردآوری شد نوع کاربرد آنها را در متن و بیت بررسی کردیم تا بدین وسیله لغات و اصطلاحاتی که در معنایی غیر از معانی اصطلاحی عرفانی، کلامی و فلسفی به کار می‌روند از بین فیش‌ها کنار گذاشته شوند. بعد از این که همه کلمات و اصطلاحات در معنایی اصطلاحی آنها جمع شد، با استفاده از فرهنگ اصطلاحات معروف فلسفی، عرفانی، کلامی و معارف اسلامی و... معانی آنها را ضبط کردیم و با آوردن شاهد از هر دو دیوان فارسی و ترکی به ترتیب الفبایی در این تحقیق آوردیم. البته لازم به ذکر است که در این بین اصطلاحاتی بودند که در دیوان فارسی کاربرد داشتند و به عنوان اصطلاح عرفانی یا فلسفی و یا کلامی به کار رفته بودند؛ ولی نمونه‌ای در دیوان ترکی نداشتند، در این صورت ما فقط به ذکر شاهد دیوان فارسی آن اصطلاح بسنده کردیم و آن را از قلم نینداختیم. در پایان بر خود فرض می‌دانم تا از اساتید بزرگوار که ما را در این تحقیق یاری نمودند و ناشی‌گری و بی‌تجربگی ما را در عرصه تحقیق بر ما گذشتند و با صبر و حوصله خود در به سرانجام رسیدن این تحقیق مرا دلداری دادند، سپاس‌گزاری کنم: از آقای دکتر عطرفی که راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشتند و نیز از آقای دکتر بیات که مشاوره این پایان‌نامه را قبول کردند. **النور باقش‌اف.**

یادمان فضولی



مجسمه فضولی در باکو

نام و شهرت فضولی

«نام او محمد، نام پدرش سلیمان بوده است. گفته شده که در سال 910 هـ در خانواده ای شیعی مذهب و آذربایجانی، در جوار مرقد سید الشهداء، در کربلا به دنیا آمده است. از کودکی و کیفیت تحصیلاتش آگاهی‌هایی به دست نیامده است. در جوانی لقب «ملا» گرفته و مشهور به ملا فضولی بوده است. علوم عربی را نزد عالمی به نام رحمت الله و علوم ادبی را نزد «حبیبی» شاعر معروف آذربایجان آموخته و نیز با دختر رحمت الله ازدواج کرده و پسری عالم و شاعر با تخلص «فضلی» داشته است.» (فضولی؛ 1387: 26)

«ملا محمد بن سلیمان بغدادی از اکابر شعرای قرن دهم هجری است که اشعار مؤثر و سوزناک به زبان ترکی و گاه به عربی و فارسی دارد. وی از وابستگان دربار سلطان سلیمان خان قانونی دهمین سلطان عثمانی بوده.» (لغت نامه؛ دهخدا؛ ذیل «فضولی»)

«محمد پسر سلیمان در حدود سال ۱۴۸۳ در عراق به دنیا آمد. در منابع معتبر از جمله مجمع‌الخواص صفحه ۱۰۳ حله به عنوان محل تولد فضولی برشمرده شده است؛ اما در برخی منابع دیگر کربلا یا نجف هم آمده است. پدرش سلیمان بود که به حله مهاجرت کرد و قاضی آن شهر بود. پدر فضولی بنا به گفته «صادق بیگ افشار» صاحب تذکره مجمع‌الخواص، که به زبان ترکی ازبکی نوشته شده، از ایل بیات بوده که یکی از ۲۲ طایفه مهاجر ترکان اوغوز می‌باشد. او در حله و سپس بغداد تحصیل کرد و یکی از استادانش «ملک الشعرای حبیبی» از شاعران حروفی بود. حدود هفتاد ساله بود که در بغداد درگذشت. (www.fa.wikipedia.org)

تخلص فضولی

حکیم ملا محمد خود در مقدمه دیوان فارسی اشاره می‌کند که بارها تا صبح نخوابیده‌ام و به یافتن و به رشته نظم آوردن گوهرهای سخن، شب زنده‌داری کرده‌ام؛ ولی وقتی صبح در آنها نگاه کرده‌ام به عیب توارد یا غریب و نامأنوس بودن در بین مردم از ثبت آنها صرف نظر کرده‌ام و این‌گونه زحماتم از بین رفته است. و علت اختیار تخلص «فضولی» هم برای این بوده است که زحماتم از بین نرود. «در ابتدای شروع نظم، هر چند روزی دل بر تخلصی می‌نهادم. و بعد از مدتی به واسطه ظهور شریکی به تخلص دیگر تغییر می‌دادم. آخر الامر معلوم شد که یارانی که پیش از من بوده‌اند، تخلص‌ها را بیش از معانی ربوده‌اند. خیال کردم که اگر تخلص مشترک اختیار نمایم

در انتساب نظم بر من حیف رود، اگر مغلوب باشم؛ و بر شریک ظلم شود اگر غالب آیم. بنا بر رفع ملا بست التباس «فضولی» تخلص کردم و از تشویش ستم شریکان، پناه به جانب تخلص بردم. و دانستم که این لقب مقبول کسی نخواهد افتاد که بیم شرکت او به من تشویشی نتواند داد. الحق ابواب آزار شرکت را بدین لقب بر خود بستم و از دغدغه انتقال و اختلال رستم:

کرد بد نامی مرا از اختلاط خلق دور، عزلتم شد موجب مشغولی کسب هنر
منت ایزد را که شد نیک آنچه بد پنداشتم، خار من گل، خاک من زر گشت، سنگ من گهر.

فی الواقع تخلصی واقع شد موافق هوای من و لقبی اتفاق افتاد مطابق دعوی من به چندین وجوه:

اول آن که من خود را یگانه روزگار می خواستم، و این معنی در این تخلص به ظهور پیوست، و دامن فردیتم از دست قید شرکت رست. دیگر آن که من به توفیق همت، استعدادی جامعیت جمع علوم و فنون داشتم. تخلصی یافتم متضمن این مضمون. چرا که در لغت جمع فضل است بر وزن علوم و فنون. دیگر، مفهوم فضولی به اصطلاح عوام، خلاف ادب است و چه خلاف ادب از این برتر که مرا با وجود قلت معاشرت علماء عالی مقدار و عدم تربیت سلاطین نامدار مرحمت شعار و نفرت سیاحت اقالیم و امصار، همیشه در مباحثه عقلیه، دست تعرض در گریبان احکام مختلفه حکماست و در مسائل نقلیه، داعیه اعتبار اصول اختلاف فقهاست. و در این فنون سخن به استاد یک فنه هر فن مباحثه حسن عبارت و مناقشه لطف اداست اگر چه این روش نشانه کمال فضولی است اما نشانی کمال فضولی است.

دید دوران در حصول علم و عرفان و ادب، شمع شب قدر، عارض مهوش او
بر خلاف اهل عالم، یافت عزم همتم، کرد در عالم فضولی زین سبب نام مرا.

المنه لله که ایام ارتکاب این فن گرامی و اوقات تعلق این نام نامی، همیشه بر من به خیر گذشت. (فضولی؛
1387: 75-76)

سال تولد فضولی

«اطلاعاتی که در تذکره‌های مختلف عربی، فارسی و ترکی داده شده و پژوهش‌هایی که در عصر ما انجام گرفته هیچ‌کدام نتوانسته‌اند سال تولد شاعر را به طور قطعی و دقیق روشن نمایند.» (شعر دوست، 1374: 3)

ابوالفیار توفیق سال تولد او را 910 هجری قمری (1504 م) می‌داند. عبدالقادر قراخان با استناد به قصیده‌ای تولد او را دهه 1480 میلادی می‌داند. پروفیسور آراسلی این تاریخ را که به استناد قصیده‌ای ثبت شده است، بی‌اساس می‌داند و آن را رد می‌کند. (همان: 3-4)

دکتر حسین محمدزاده صدیق نیز در مقدمه دیوان اشعار فارسی فضولی که چاپ کرده است، در این باره می‌گوید: «گفته شده که در سال 910 هـ در خانواده‌ای شیعی مذهب و آذربایجانی، در جوار مرقد سید الشهداء، در کربلا به دنیا آمده است.» (فضولی؛ 1387: 26)

زادگاه او

فضولی خود در دیباچه دیوان فارسی خود صریحاً اشاره می‌کند که: «مولد و مقام عراق عرب است.» (دیوان فارسی: 7) و در مقدمه دیوان ترکی هم گوید: «امیدوارم اصحاب فصاحت و ارباب بلاغت هنگام مشاهده و مطالعه [اشعارم] این را که منشأ و مولد عراق عرب است و در عمرم به هیچ مملکتی سفر نکرده‌ام، دال بر موجب سقوط اعتبارم ندانند.» (دیوان ترکی؛ مقدمه: 16)

در جای دیگر نیز گوید: «الله الحمد و المنه اشرف بودن خاک کربلا از اکسیر ممالک دیگر معلوم است و برتری جایگاه شعرم در همه سوی بدین جهت است.» (همان: 17)

در دیباچه دیوان فارسی نیز گوید که: «و این نویسندگان روزگار ندیده و این یتیمان غربت نکشیده که از خاک نجف و خطه کربلا سر بر آورده‌اند و در آب و هوای برج اولیا پرورده‌اند، در اثنای مسافرت به هر جا که توجه نمایند به نظر اعتبار درآیند.»

چون خاک کربلاست فضولی مقام من
نظمم به هر کجا که رسد حرمتش رواست
زر نیست سیم نیست گهر نیست لعل نیست
خاک است شعر بنده ولی خاک کربلاست.»
(فضولی؛ 1378: 77)

محققان بر اساس همین شواهد از آثار وی، زادگاه او را کربلا دانسته‌اند.

ایل وتبار فضولی

بنا بر گفته‌ها پدر محمد فضولی از ایل بیات بوده است که از 22 طایفه مهاجر ترکان اوغوز می‌باشد. تسلط شاعر بر زبان ترکی و توجه خاص او به این زبان برای اثبات ترک‌نژاد بودنش کافی می‌باشد. با این همه، وی در

دیباچه دیوان‌های فارسی و ترکی و نیز کتاب حدیقه السعداء با صراحت به این امر اشاره کرده است. در دیباچه حدیقه السعداء انگیزه خود را از تألیف کتاب چنین شرح می‌دهد: «...وقایع کربلا و کیفیت احوال شهدا، در مجالس و محافل به عبارت فارسی و تازی تقریر می‌شد و اشراف عرب و اکابر تمتع می‌یافتند. اما اعزّه اتراک که جزء اعظم ترکیب عالم و صنف اکثر نوع بنی آدمند، چون سطر زائد صحایف کتب از صفوف مجالس دور می‌ماندند و از استیفای ادراک حقایق احوال محروم...

و در اواخر همین مقدمه گوید:

ای فیض رسان عرب و ترک و عجم قیلدین عربی افصح اهل عالم
ائتدین فصحای عجمی عیسی دم بن تورک زبانان التفات ائیلمه کم.

(فضولی؛ 1373: 1-12)

«اغلب تذکره نویسان و محققان در اینکه فضولی از عشیره ترک‌نژاد بیات است متفق‌القولند. عشیره بیات از اقوام بزرگ و قدیم اوغوز (:غز) است و از زمان سلاجقه در عراق سکونت یافته‌اند... شاید تسلط شاعر بر زبان ترکی و توجه خاص او به این زبان برای اثبات ترک‌نژاد و ترک‌زبان بودنش کافی باشد. با این همه وی در دیباچه دیوان‌های فارسی و ترکی و نیز کتاب حدیقه السعداء با صراحت به این امر اشاره کرده است. (شعردوست؛ 1374: 1-14) برتلس در مونوگرافی نظامی در فصل مخصوص فضولی، زندگی‌نامه مختصری از فضولی را ارائه می‌دهد. در آنجا می‌گوید که وی از قبیله بیات بوده و در بین سالهای 930 - 914 به بغداد آمده. (A. Bagirov. 2007: 118) ادامه حیات فضولی و فعالیت‌هایش در بغداد گذشته.

دین و اعتقاد فضولی

فضولی یکی از بزرگترین عالمان و روحانیون بزرگ شیعه است. و عشق و ارادت خاصی به چهارده معصوم (ع) در آثارش مشهود است. کتاب حدیقه السعداء را در شرح مصایب و سوز و گداز واقعه کربلا به زبان ترکی نگاشته است. ارادت خاصی به امام حسین (ع) دارد. در دیباچه حدیقه السعداء انگیزه تألیف آن را نبود روایت مکتوبی از وقایع کربلا و احوال شهدا به زبان ترکی ذکر می‌کند. (فضولی؛ 1373: 1) به مدح و ستایش پیامبر و امام علی (ع) پرداخته است. «اکثر محققان "قصیده آب" را که شاعر در نعت رسول اکرم (ص) به زبان ترکی سروده، درخشان‌ترین اثر او و نقطه اوج شعر فضولی دانسته‌اند. شاید ذکر این نکته هم جالب باشد که از میان دوازده قصیده عربی فضولی، هفت قصیده در نعت رسول گرامی اسلام (ص) و سه قصیده در مدح حضرت علی (ع) است.» (شعردوست؛ 1374: 23)

وفات شاعر

«نخستین تذکره‌ای که تاریخ وفات فضولی را ثبت کرده، گلشن شعرای عهدی بغدادی است. بنا به نوشته عهدی، فضولی سال 963 هجری قمری در نتیجه ابتلا به مرض طاعون چشم از جهان فرو بسته است. اکثر تذکره نویسان در این قول متفقند. با توجه به اینکه گلشن شعرا سال 971 هجری قمری پایان یافته (یعنی هشت سال پس از وفات شاعر) و نیز با در نظر گرفتن هم‌عصری و آشنایی عهدی بغدادی با فضولی، تاریخی را که وی ثبت کرده است بی‌هیچ مباحثه‌ای می‌توان پذیرفت.» (شعردوست؛ 1374: 18 - 19) «مولانا فضولی پس از وفات در جوار آرامگاه حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) به خاک سپرده شد و گنبدی بر روی مزارش بنا گردید... در سال 1975 میلادی به دلیل عملیات تعریض خیابانهای حوالی حرم، پیکر شاعر به کتابخانه و مرکز نسخه خطی آستان قدس حسینی انتقال یافت و در آنجا مدفون گشت.» (همان: 21)

درباره شعر و شاعری فضولی

«فضولی را بیشتر از جمله شعرای ترک می‌دانند و گیب در جلد سوم تاریخ عظیمی که برای شعرای عثمانیان نوشته مفصلاً در این باب بحث کرده است. اینکه مشارالیه تبعه عثمانی شد علتش آن بود که در سال 940 / 1535 عثمانیها مسقط الرأس او بغداد را که تقریباً تمام عمرش در آنجا گذشت از دست ایرانیان گرفتند. گیب می‌گوید: فضولی در کمال سهولت به ترکی و فارسی و عربی شعر می‌گفت، و همین مستشرق او را چنین وصف می‌کند: "نخستین آن چهار شخص عالی‌مقداری است که در قدیم‌ترین عهد ادبی عثمانی‌ها مقامی بس ارجمند دارند. و در هر عهدی و میان هر قومی که باشند نامشان در جریده مردمان جاویدان ثبت می‌شود. اگر رتبه او در قصر ادبیات ایران این قدر پست افتاده است نه به جهت نقصان لیاقت و فهم اوست در زبان فارسی؛ بلکه از آن جهت است که در مجلس مزبور رقبای بزرگتر و نمونه‌های بهتری در حسن مقال موجود است. ارتباط او با مذهب از چندین شعر او نمایان و از حدیقه السعداء که به تقلید روضه الشهداء حسین واعظی کاشفی در شهادت امام (ع) ساخته، هویداست. (براون، 1345، ج 4: 180)

«غزل‌های فضولی ویژگی عرفانی- فلسفی دارد. در این غزل‌های عرفانی و الهی، اهل حق نمودهای معرفتی و عشق به خدا را به صورت مداوم می‌بینند. در کل، روح عمومی اشعار فضولی این گونه است که عشق انسانها را به هم نزدیک می‌کند و نیروی مقدسی است که دوستی، فداکاری، صمیمیت را ایجاد می‌کند. او به انسان‌ها فهم و درک زیبایی‌ها، زیبایی درونی، ایثار خود، بی‌مبالاتی و گذشت را یاد می‌دهد. بدین جهت غزل‌های فضولی که این

قدر صمیمی و بدیعی و روشن بیان شده است چون با حکمت و فراست عامه مردم پیوند خورده است هر کس که این اشعار او را که ترانه های درونی اوست، می خواند در قلب خود حس احترام به صفا، خیرخواهی، محبت به هستی و محبت به انسان و به زیبایی های مادی و معنوی را با قدرت تمام درک می کند.» (Arasli, 2005: 5)

تذکره نویسان از لحاظ زبان و شیوه، فضولی را با علیشیر نوایی مقایسه کرده اند. آنها قطعاً نه به خاطر بزرگ بودن فضولی سعی کرده اند؛ بلکه نوایی در زمان خودش واقعاً یکی از شخصیت های بزرگی بود. به این خاطر فضولی نوایی را دوست داشته است. بعضی از اشعار فضولی از لحاظ شیوه واقعاً نوایی را به یاد می اندازد. فضولی نیز مانند علیشیر نوایی اساساً دوست دارد غزلهایش را در هفت بیت بنا کند و تعدادی از ردیف های او را پسندیده و تکرار کرده است: ایلرم، ایلمش، ایله گج، آیرو، آرا، عرض، وار، کوستاخ، یارب، کؤنلوم، لفظ، سوز، طمع، توت، فدا، ایمس، هنوز، غرض و... . لیکن بسیار جالب است که از نظر بحرهای عروضی فضولی به کلی با نوایی فرق دارد. نوایی بیشتر در بحر هزج گفته ولی فضولی در بحر رمل. (Arasli, 2005: 18)

فضولی اشعار نسیمی را با عشق و علاقه و با دقت خوانده است. در شعر فضولی اشعاری را می توان یافت که صدای نسیمی تقریباً در آن به گوش می رسد؛ به عنوان مثال نخستین نمونه های قافیه درونی شعر فضولی را در دیوان نسیمی می توان دید... یا در نسیمی استفاده از حروف در خلق تصویر هم صدایی را می توان مشاهده کرد و این یک خصوصیت اساسی در شعر اوست؛ زیرا او به حروف فقط به عنوان حرف توجه نمی کند؛ بلکه موافق با مسلک و مذهب فرقه حروفیه است و به حروف به عنوان رمز نگاه می کند و سعی می کند به آنها معنای فلسفی ببخشد. خلق معانی بدیع از حروف را در شعر فضولی هم می توانیم ببینیم؛ ولی در فضولی این نمونه ها تنها صورت بدیعی و مؤفقی در ارائه دارد و دیگر هیچ چیز از حروفیه یا معنا و اهداف سمبولیک و رمزگونه را تعقیب نمی کند. (Paşayev, 2007: 6)

«تضمینی از ابیات معروف فردوسی دارد که ذیلاً نقل می شود:

بود همدم حوریان بهشت	اگر عمرها مردم بد سرشت
ز جبریل خواند فنون ادب	در آن محفل پر صفا روز و شب
نگردد از او جز بدی آشکار	بدان اعتقاد (به) سرانجام کار
فتد خوار و بیقدر بر روی خاک	و گر سالها گوهر تابناک
شهان را برازنده افسر است.»	چو از خاک خیزد همان گوهر است

(لغت نامه دهخدا، ذیل «فضولی»)

«به خاطر داشتن استعداد بالای شعری و عمق معنایی آثارش در بغداد او را حافظ ترک نامیدند. اما متأسفانه حاکمان آن دوره به قدرت بیان او بها ندادند و شاعر بزرگ در فقر و نیاز زندگی کرد. شاعر در اواخر عمر خود از بغداد به کربلا کوچ کرد و در آنجا در سال 963 وفات یافت. (A. Bağır ov, 2007: 118)

آثار فضولی

آثار باقی مانده از فضولی را می توان به ترتیب زیر برشمرد:¹

1. آثار عربی

1 - 1. دیوان عربی: مولانا فضولی، در مقدمه دیوان ترکی و فارسی خود، از دیوان عربی خویش یاد می کند. در تذکره صادقی افشار نیز از دستنویس کلیات فضولی که صاحب تذکره آن را رؤیت کرده و دیوان عربی وی را در آن دیده، سخن به میان آمده است. بخشی از این دیوان توسط ی. ا. برتلس مستشرق روسی، در مجموعه ای غارت شده از کتابخانه بقعه شیخ صفی در اردبیل که حالیه در لنینگراد محافظت می شود، یافته و منتشر شده است که شامل یازده قصیده در نعت و مدح حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) است. طولانی ترین این قصاید 63 بیت و کوتاه ترین آن ها 21 بیت است و در سه بحر طویل، کامل و وافر تصنیف شده اند. به نظر برتلس، در این قصاید، تأثیر عمیق عمادالدین نسیمی شروانی، - شاعر عارف حروفی مسلک ابتدای قرن نهم آذربایجان - به روشنی مشهود است.

فرجامین چاپ منقح دیوان عربی فضولی از آن عبداللطیف بندر اوغلو است. او همانند محمد طنجی، استاد سابق زبان و ادبیات عربی دانشگاه آنکارا، توانسته است اشتباهات و اغلاط املائی موجود در نسخ خطی دیوان عربی فضولی را تصحیح و چاپ کند و تأکید کرده است که: فضولی بزرگترین شاعر عصر خود در سه زبان عربی، ترکی و فارسی بوده است و مدت ها در بغداد، حله و کربلا جلسات درس داشته است و در آن جلسات به عربی و یا ترکی سخن می گفته است.

قصاید عربی فضولی از فخامت و سلاستی بی مانند برخوردار است. صاحب کنه الاخبار از قصاید عربی او یاد کرده گوید: «...و به زبان عربی قصاید بلاغت نشان دارد...».

¹. با توجه به جامع و کامل بودن اطلاعات درباره آثار فضولی و یکجا قید شدن همه آنها در «دیوان اشعار فارسی» که با مقدمه و حواشی حسین محمدزاده صدیق چاپ شده است، این اطلاعات را درباره آثار او عیناً در اینجا نقل می کنیم و از آوردن مطالب دیگر منابع و کتابها در این زمینه خودداری می کنیم.

هفت قصیده از دیوان فضولی در نعت رسول اکرم (ص) و سه قصیده در مناقب حضرت علی (ع) است. از این چگامه‌ها ترجمه ترکی زیبایی آماده شده است که قریباً چاپ خواهد شد.

2- 1. مطلع الاعتقاد فی معرفه مبدأ و المعاد: اثر فلسفی و کلامی منشور است که نخستین بار کاتب چلبی از آن سخن گفته است و نیز در مجموعه ی. ا. برتلس نامبرده در بالا پیدا شده است. اثر بسیار ارزنده و سترگی است در علم کلام که در چهار رکن تنظیم یافته است.

اثر فلسفی مطلع الاعتقاد، نخستین بار توسط مرحوم دکتر حمید آراسلی از روی نسخه یاد شده در بالا در سال 1958 م. به صورت چاپ عکسی تکثیر گشت. این نسخه منحصر به فرد و مغلوط از مطلع الاعتقاد را دکتر محمد بن تاویت الطنجی استاد دانشکده الهیات دانشگاه آنکارا در سال 1381 هـ (1962 م.) با مراجعه به متون کلامی گوناگون و با صرف زحمت و همتی هشت ساله تصحیح، تنقیح و منتشر کرد. متون تصحیح شده این کتاب بعدها از سوی کمال ایشیق، اسد جوشان و عبد اللطیف بندر اوغلو (بغداد - 1993) نیز چاپ شد. چهار رکن این اثر چنین است:

رکن نخست، در ماهیت دانش و معرفت، وجوب شناخت خدا، انواع علوم و طرق کسب علم.
رکن دوم، در آفرینش کائنات، عالم و افلاک، معادن، گیاهان، جانوران، انسان و جن و احوال عالم.
رکن سوم، در ذات و صفات و افعال باری تعالی و مباحث خیر و شر.
رکن چهارم، در موضوع هدایت بشر از سوی خداوند و نبوت عامه و فضیلت پیغمبر اسلام به دیگر پیامبران و مباحث میزان، صراط و حساب و مسأله امامت و اثبات حقانیت شیعه. بر گردان فارسی این اثر به قلم نویسنده این سطور اخیراً چاپ شده است.

2. آثار ترکی

مولانا حکیم ملا محمد فضولی بارها به منسوبیت قومی خود اشاره کرده، خود را «ترک زبان» نامیده است و این زبان را مناسب‌ترین قالب بیان عواطف و احساسات خود دانسته است. و با این همه، افتخار کرده است که در شاعری در سخنوری در هر سه زبان عالم اسلام قادر و تواناست:

از سخن، خوانی کشیدم پیش اهل روزگار
ذوق‌های گونه‌گون در وی، ز انواع نعم
نیستم شرمنده، هر مهمان که آید سوی من،
خواه از ترک آید و خواه از عرب، خواه از عجم

هر که باشد گو بیا و هر چه باید گو ببر،
نعمت باقی است این قسمت نخواهد گشت کم
از آثار ترکی وی هفت اثر بر جای مانده است:

1 - 2. دیوان ترکی: در برگیرنده تحمیدیه‌ها، نعت‌ها، مرثی، قصائد، مسمطات، غزلیات، قطعه‌ها و انواع دیگر شعرهاست که با یک مقدمهٔ منثور زیبایی آغاز می‌شود. این دیوان، نخستین بار در تبریز به سال 1247 هـ چاپ شده است. دو بار نیز در تهران به صورت چاپ سنگی و سربی انتشار یافته است. در سال 1258 در بولاق (مصر)، در سال 1256 در عشق آباد، در 1268 در اسلامبول چاپ شده است. پس از تغییر الفبای اسلامی ترکی به لاتین و اسلاو و روسی نیز بارها در بلاد اسلام با دیدگاه‌های گوناگون به نشر آن مبادرت کرده‌اند. نشرهای موجود در ایران در 50 سال اخیر که می‌توان گفت، همه ساله به صورت افست، توسط کتاب‌فروشی فردوسی تبریز به بازار عرضه می‌شود، از روی چاپ 1286 هـ که در مطبعهٔ تصویر افکار اسلامبول به عمل آمده، انجام می‌پذیرد. بخش غزلیات این دیوان، در سال 1367 توسط آقای میر صالح حسینی (سولماز) با مقدمهٔ مبسوطی چاپ شد. در سال 1375 نیز به هنگام برگزاری کنگره جهانی فضولی از سوی وزارت ارشاد در تهران، چاپ مغلوط و مشکوکی بیرون داده شد.

گزیده‌ای هم از غزلیات این دیوان، در سال‌های اخیر در تبریز از سوی آقای حسین فیض‌اللهی وحید چاپ شده است. نشر علمی و نوین کامل از آن را، اینجانب در سال 1384 با تعلیقات و کشف‌الابیات بیرون دادم. چندین شرح نیز بر آن نگاشته شده است که از شرح‌های معاصر و آکادمیک می‌توان کتاب درسی پروفیسور دکتر خلاق ایپک تن را نام برد.

دیوان فضولی با یک دیباچهٔ منثور آغاز می‌شود. سپس دو تحمیدیه و نه نعت می‌آید که آنها را می‌توان از زیباترین آثار فضولی شمرد. مثلاً نعت معروف، به مطلع:

ساجما ای گوز اشکدن کونلومده کی اودلارا سو	کیم بو دنلی دوتوشان اودلارا قیلماز چاره سو
ذوق تیغیندن عجب یوخ اولسا کونلوم چاک - چاک	کیم مرور ایله بوراخیر رخنه‌لر دیوارا سو.

تا آنجا که می‌گوید:

طینت پاکینی روشن قیلمیش اهل عالمه	اقتدا قیلمیش طریق احمد مختارا سو
سید نوع بشر، دریای در اصطفا	کیم سپیدیر معجزاتی آتش اشرارا سو
قیلماق ایچون تازه گلزار نبوت رونقین	معجزیندن ائيله میش اظهار سنگ خاره سو
معجزی بیر بحر بی پایان ایمیش عالمده کیم	یتیمیش آندان مین - مین آتش خانهٔ کفاره سو

در دیوان ترکی فضولی که این قلم ترتیب داده است، پس از قصائد (48 قصیده) بخش غزلیات می‌آید که

شامل 410 غزل بسیار زیبای عرفانی و فلسفی است. اغلب آنها 7 بیت است و به ندرت به غزل‌های 6 و 8

بیتی بر می‌خوریم. بسیاری از غزل‌های ترکی او را آشنایان هموطن ما از حفظ دارند. مانند غزل‌های با مطلع -
های:

دوستوم عالم سنین چین گر اولا دشمن منا جان عالم سن، یئترسن دوست آنجاق سن منا

*

اول پریش کیم ملاحت مولکونون سلطانیدیر حکم اونون حکمی دورور، فرمان اونون فرمانیدیر

*

پنبه داغ جنون ایچره نیهاندیر بدنیم دیری اولدوقجا لباسیم، بودور ثولسم کفنینم

*

جان وئرمه غم عشقه که عشق آفت جانیدیر عشق آفت جان اولدوغو مشهور جهانیدیر

*

منی جانندان اوساندیردی جفادان یار اوسانمازی فلکلر یاندی آهیمدن مورادیم شمعی یانمازی؟

پس از غزلها، 33 قطعه ترکیب‌بند، ساقی‌نامه، مثنوی، 1 مسبع، 1 مسدس، 1 ملمع، 13 دوبیتی و 105

رباعی در دیوانش آمده است.

2 - 2. لیلی و مجنون: مثنوی عرفانی گران‌قدری است که همچون نگینی در گستره ادبیات ترکی می‌درخشد.

این مثنوی بارها در تبریز و تهران چاپ شده است و متأسفانه متن علمی و انتقادی آن را چون دیگر ذخایر

فرهنگی اسلامی، مستشرقان ترتیب داده‌اند و در کشور خود ما در این باب فعلاً همتی به خرج داده نشده

است. این اثر در وزن «مفعول مفاعیل فعولن» در سال 941 هـ سروده شده است. فضولی این اثر را با

توحیدیه، مناجات و نعت شروع می‌کند که مستشرقان اغلب در نشرهای خویشتن، این سه بخش را حذف

کرده‌اند.

اغلب شاعرانی که پس از فضولی به ترکی یا فارسی، مثنوی لیلی و مجنون و یا هر مثنوی بزمی دیگر

سروده‌اند، تحت تأثیر نبوغ او بوده‌اند. نسخه‌های خطی فراوانی از آن در دنیا موجود است. نخستین بار در

تبریز در سال 1264 هـ به چاپ سنگی رسیده است. چاپ‌های متعدد و متنوع از آن در شهرهای باکو و

استانبول انجام پذیرفته است. چند اپرا و فیلم نیز بر اساس آن ساخته شده است که آوازه جهانی دارد و چندین

بار در صحنه‌های تئاتر اجرا شده است و به چندین زبان نیز ترجمه شده است.

اثر گر چه مثنوی است؛ ولی در متن آن، 23 غزل و دو مربع نیز داخل شده است که ما آنها را به نشر نوین «دیوان اشعار ترکی فضولی» وارد کردیم. در مقدمه از اینکه در روزگار وی شعر و شاعری خوار شمرده می شده سخن گفته است:

اول دؤوره ده یم کی نظم اولوب خوار	اشعار اولوب کساد بازار
اول رتبه ده قدر نظم دیر دون	کیم کفر اوخونور کلام موزون
...مین رشته یه طرفه لعل چکنسم	مین روضه یه نازنین گول اکسم
قیلماز او نا هیچ کیم نظاره	دئرلر گوله خار، لعله خاره
...دؤوران ایسترکی خوار اولان نظم	بی عزت و اعتبار اولان نظم
هر سؤز کی گلیر ظهورا مندن	مین طعنه بولور هر انجمندن
...من منتظرم وئرم رواجین	بیمار ایسه ائيله یم علاجین
تعمیر خرابا طالیم من	این شاءالله که غالییم من...

پیش از فضولی چندین تن از شاعران ترکی زبان از جمله: شاهدی، نوایی، بهشتی، حمدی، قدیمی، جلیلی و... ماجرای لیلی و مجنون را به نظم کشیده اند و در زبان فارسی نیز خبر از چند مثنوی، مانند مثنوی گرانجای نظامی گنجوی و نیز مثنوی عبدالرحمن جامی داریم. ولی هیچ یک از آنها جز اثر نظامی، چون سروده فضولی این همه شهرت قبول و آوازه نیافت. به گونه ای که اثر فضولی را در قریب به اتفاق کشورهای جهان، آشنایان به ادبیات مشرق زمین می شناسند و ترجمه ها و روایت های غربی نیز اغلب بر ساختار منقول فضولی متکی است.

3 - 2. بنگ و باده: مثنوی عارفانه ای در 450 بیت که پیش از جنگ چالدران سروده شده و به شاه اسماعیل ختایی تقدیم شده است. در این اثر، منظور از بنگ، سلطان بایزید دوم و منظور از باده، شاه اسماعیل است. این مثنوی چند بار در داخل کلیات فضولی در تبریز و تهران چاپ شده است. در این داستان، باده بر بنگ برتری داده می شود. در آغاز آن تحمیدیه، نعت و ذکر فضائل و مناقب حضرت علی (ع) و مدح شاه اسماعیل ختایی آمده است. سپس در وصف باده سخن می رود. باده پس از وصف خود، برای بنگ، ایلچی می فرستد ولی ایلچی به باده خیانت می ورزد. باده قشون برمی دارد و به سوی بنگ روان می شود و در فرجام ماجرا بر بنگ غلبه حاصل می کند.

مثنوی در وزن «فاعلاتن مفاعلن فعلن» سروده شده است. پچوی در تاریخ خود از شاعر معروف عثمانی موسوم به غازی گرای نام می‌برد که بر این مثنوی نظیره‌ای زیبا سروده و آن را گل و بلبل نامیده است. این مثنوی در 450 بیت سروده شده است و شیوهٔ عنوان‌گذاری منظوم قرن نهم ادبیات ترکی آذربایجان در آن رعایت شده است. عنوان‌های برخی از فصل‌های آن چنین است:

هست این نعت احمد مختار،
و یا: شمه‌ای وصف حیدر کرار،
و یا: باشد این مدح شاه اسماعیل،
آغاز مثنوی چنین است:

ای وئرن بزم کائناتہ نسق	بوراخان جام عشقه نشئه حق
عشق میخانه سین قیلان معمور	سونان اوندان جهاننا جام غرور
کی ائدیب اول غرور جامینی نوش	اهل نطق اولا واله و مدهوش
جمله دن مخفی اولا اسراری	اولمایا هیچ کییم خبرداری...

4 - 2. قیرخ حدیث: فضولی، اثر معروف مولانا عبدالرحمن جامی را به همین نام، به گفته خود جهت فیض عموم، به ترکی ترجمه کرده است. هر حدیث رابه صورت یک قطعه در وزن «فاعلاتن مفاعلن فعلن» در آورده است. این اثر، مقدمهٔ منثور و خاتمه نیز دارد.

نگارندهٔ این سطور، کتاب قیرخ حدیث فضولی را با مقدمه‌ای کوتاه در سال 1371 در تهران چاپ کرد. پیش از آن نیز دو بار در ترکیه در سال 1948 از سوی مرحوم پروفیسور دکتر عبدالقادر قاراخان و در سال 1951 از سوی مصحح رند و زاهد در استانبول و یک بار در باکو در سال 1958 چاپ شده بود. در چاپ تهران، ما متون اصلی احادیث را نیز داده‌ایم. در چاپ مصحح رند و زاهد مرحوم کمال ادیب کور کچو اوغلو، ترجمه‌های فارسی عبدالرحمن جامی هم آمده است.

5 - 2. صحبه الاثمار: مثنوی در 200 بیت در وزن «مفعول مفاعلن فعولن» که نخستین بار توسط امین عابد در سال 1306 هـ معرفی شده است. در این مثنوی از زبان میوه‌ها سخن می‌رود. نخست باغی به تصویر آمده است که در آن فواکه و میوه‌های فراوان وجود دارد: گوجه، هلو، گیلاس، شفتالو، سیب، گلابی، زردآلو، انگور، به، پرتقال، ترنج، انار، خرما، بادام، لیمو، عناب، هندوانه و خربزه. هر یکی از میوه‌جات از فضایل خود سخن

می‌گویند و شاعر چون می‌بیند آنها با هم در افتاده‌اند، باغ را ترک می‌گوید. انتساب این اثر به فضولی را مرحوم فؤاد کؤپرولو به شدت رد می‌کند و گوید که:

«قبل از نشر امین عابد، اولین بار در مجموعه مقالات مربوط به فضولی که در شهر باکو در سال 1925 چاپ شده، انتساب آن به فضولی ادعا شده است».

و آن را به استناد یک مجموعه چاپ سنگی (سال 1304 هـ ق) منسوب به عباس مذنب می‌داند. اما باید دانست که این مثنوی در داخل نسخ خطی کلیات فضولی آمده است و یک بار نیز در سال‌های آغازین چاپخانه در تبریز، بدون ذکر تاریخ، به چاپ سنگی رسیده است. دلایلی که در رد انتساب این اثر به فضولی کنار هم چیده می‌شود، از قماش دلایلی است که برای رد انتساب مثنوی یوسف و زلیخا به فردوسی طوسی آورده شده است. آمدن نام عباس مذنب در یک مجموعه چاپ سنگی ناشی از بی‌دقتی ناشر و استفاده از شهرت مذنب در سرودن اشعاری از این دست بوده است. شیوه بیان سبک شعری مثنوی به تمامی حکایت از آن دارد که اثر سروده کسی جز فضولی نمی‌تواند باشد:

اول قادر و حیّ و فرد و فتاح	آدیمی منیم قویوبدو تفاح
هم چهره مه وئردی سرخ رنگی	هم اگنیمه اطلس فرنگی
ایکی یارین آراسینا محرم	یوخ من کیمی دهرده مقدم
هم پیک نگار نازنینم	هم قاصد یار مه جینیم

6 - 2: حدیقه السعدا: اثری است پیرامون شهادت حضرت امام حسین(ع) در کربلا که به نظم و نثر تصنیف شده است. از آثار پر ارزش تاریخ زبان و ادبیات ترکی به شمار می‌رود و نسخ خطی متعددی از آن موجود است. نخستین بار در سال 1252 هـ چاپ شده است. اثر در یازده باب تدوین شده است. باب اول در بیان احوال انبیا و باب یازدهم در بیان آمدن مخدرات اهل بیت از کربلا به شام نام دارد. فضولی در تصنیف این اثر به روضه الشهداء واعظ کاشفی نظر داشته است. و آن را به نثر مسجع زیبایی نوشته است. البته منظور آن نیست که ادعا کنیم فضولی، روضه الشهداء را ترجمه کرده، بلکه باید گفت که وی در کار منابعی چون: کنزالغرائب، صحیفه رضویه، شواهد النبوه، مرآت الجنان و تظلم، از روضه الشهداء بیشترین بهره را برده است.

این اثر بارها در ایران و کشورهای دیگر چون ترکیه، مصر، جمهوری آذربایجان، عراق و جز آن چاپ شده است. در سال‌های اخیر، میر صالح حسینی، حسن مجید زاده ساوالان (با مقدمه رسول اسماعیل زاده) و علیار

صفرلی به تصحیح آن همت گماشتند. شیما گونگور نیز در موضوع این کتاب رساله دکتری نگاشت و در سال 1987 توانست از آن دفاع کند.

نسخ خطی شناخته شده آن طبق فهرس مخطوطات ممالک غرب و شرق چنین است:
لندن (بریتیش میوزیوم): 4 نسخه.

برلین، 2 نسخه.

پاریس، 6 نسخه.

واتیکان رم، 3 نسخه.

مونپخ، 1 نسخه.

درسدن، 1 نسخه.

در کتابخانه‌های ترکیه نیز 77 نسخه باز شناخته شده است که کهن‌ترین آنها نسخه‌ای است مستنسخ به سال 970 هـ محفوظ در کتابخانه نور عثمانیه استانبول و نسخه‌ای تحریر شده در سال 972 هـ در کتابخانه توپقاپی و نسخه مورخ به سال 974 در کتابخانه سلیمانیه و نیز نسخه‌ای استنساخ شده در همان سال در کتابخانه دانشکده زبان و تاریخ و جغرافیای دانشگاه آنکارا.

از این اثر بسیار گران قدر، نسخ فراوانی نیز در ایران موجود است که متأسفانه به سبب ترکی ستیزی و ترکی زدایی که در رژیم گذشته در ایران پیش می‌بردند، این نسخ احصاء و معرفی نشده‌اند و تقریباً در همه کتابخانه‌های ایران نظیر ملی، مجلس شورای اسلامی، آستان قدس رضوی، و جز آن به نسخ با ارزشی از حدیقه السعدا می‌توان برخورد.

همان‌گونه که گفتم حدیقه السعدا بیش از ده بار به چاپ سنگی رسیده است. در قاهره، تبریز و استانبول و در سالهای 1253، 1261، 1271 (قاهره)، 1273، 1286، 1289، 1296، 1302. حادثه جان‌سوز و جان‌گداز کربلا دو موضوع اصلی این است و ذکر مصائب همه انبیا و اولیا به خاطر شرح این حادثه است. در تمامت ادبیات ترکی و شیعی، حادثه کربلا موضوع انواع ادبی گوناگونی بوده است و اثر فضولی در واقع کامل‌ترین نوع مرثیه‌نگاری منظوم و منثور در موضوع این حادثه است. پاره‌های نثر آن مسجع و بسیار شیوا و مشحون از تعقیدات دل‌نشین و دل‌انگیز لفظ خاص فضولی است. این کتاب در میان شیعیان هم مأخذ و منبع دریایی از کتب نوحه و مرثیه در چهارصد سال اخیر بوده است و هم رایج‌ترین کتاب در نوع خود به شمار می‌رفته است.

من این کتاب را به عنوان ثقل اصلی و هسته مرکزی کلیت آفرینش ادبی فضولی ارزیابی می‌کنم. فضولی نه تنها در این اثر، بلکه در سرتاسر خلاقیت ادبی خود، جای جای به آویزش عاطفی خویش به خاک کربلا اشاره دارد.

کتاب حدیقه السعداء با یک دیباچه شروع می‌شود. آغاز آن، دو بیت زیر است:

یا رب ره عشقینده منی شئیدا قیل، احکام عباداتی منه اجرا قیل

نظاره صُنعده گُوروم بینا قیل اوصاف جبیننده، دیلیم گویا قیل

دیباچه به شیوه نوینی که تا آن روزگار در ادبیات مکتوب ترکی کم نظیر بوده، تدوین گشته است. در فرجام دیباچه از مقتل ابوحنیف و مصرع طاووسی در زبان عرب از سید ابوالقاسم علی الطاوسی و از روضه الشهداء در لسان عجم از مولانا حسین واعظ کاشفی یاد می‌کند. به ویژه دومی را به تتبع تواریخ و تفاسیر می‌ستاید و تصمیم خود را بر قرینه‌سازی آن در لفظ ترکی به نام حدیقه السعداء بیان می‌کند.

توجه به همانندسازی در تاریخ ادبیات ترکی و انتقال معارف اسلامی و مفاهیم قرآنی از متون گران سنگ عرفی و ادب فارسی به ترکی و پر بار ساختن متون، مقوله‌ای است که پیوسته اندیشه فضولی را به خود مشغول داشته است. چنان که مثلاً در دیوان فارسی خود می‌گوید:

ای عقده گشای عرب و ترک و عجم! ائتدین عربی افصح خلق عالم

قیلیدین شعرای عجمی عیسا دم من ترک زباندان التفات ائلمه کم

این استغاثه برای توفیق در همانندسازی صاحب مثنوی 6 هزار بیتی قوتادغو بیلغ در قرن چهارم و پنجم، خواجه احمد یسوی ملقب به پیر ترکستان، قاضی برهان الدین، سراینده هبه الحقایق، امیر علیشیر نوایی، عاشیق پاشا و جز این‌ها را نیز به خود جلب کرده است. سلطان ولد فرزند مولوی هم کوشیده است آثاری همانند با برخی از متون فارسی در ترکی ایجاد کند و پس از او از سوی ترکان، تلاشی پر نوش و توان در گسترش آنچه ما مکتب مولویه می‌گوییم شده است. باری فضولی پس از دیباچه، عنوان‌های ده باب اثر خود را چنین می‌شمارد:

باب اول: در بیان صورت احوال بعض انبیاء عظام و رسل کرام.

باب دوم: در بیان جفای قریش بر حضرت رسول (ص).

باب سوم: در بیان وفات حضرت رسول (ص).

باب چهارم: در بیان وفات حضرت فاطمه (س).

باب پنجم: در بیان شهادت حضرت مولی الموحدین علی مرتضی (ع).

باب ششم: در بیان احوال حضرت امام حسن (ع).

باب هفتم، در بیان حرکت سید الشهدا حضرت امام حسین (ع) از مدینه به مکه.

باب هشتم: در بیان وفات حضرت مسلم بن عقیل (ع).

باب نهم: در بیان آمدن حضرت امام حسین (ع) از مکه به کربلا.

باب دهم: در بیان شهادت حضرت امام حسین (ع).

باب یازدهم: در بیان آمدن اهل بیت از کربلا به شام.

باب نخست با ذکر مصائب پیشوای مصیبت‌زدگان و مقتدای دل‌شدگان، حضرت آدم صفی (ع) آغاز می‌-

شود. تمام مطالب باب مستند به آیات قرآنی است. باب را با ذکر آیه شریفه «و علم آدم الاسماء کلها ثم

عرضهم علی الملائکه فقال انبئونی بأسماء هؤلاء ان کتم صادقین قالوا سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا انک

انت العلیم الحکیم» شروع می‌شود. به لحاظ ساخت‌شناسی و بهره‌وری از آرایه‌های سخن‌سنجی، این بخش از

کتاب قطعاتی دلاویز و بس والا دارد. مثلاً:

«آدم، حوادان آیریلیق قیلدی. هر بیری بیر دیاره دوشدو، و هر بیری مین بلایا ساتاشدی. آدم وادی

سرنندیده سرگردان اولوب، حوا ساحل دریای هنده دوشدو:

نه ایشدیر ای فلک دلداری دلداریندان آیرماق،

جفاکش عاشقی یار وفاداریندان آیرماق.

حضرت عزت‌ن‌دا گلدی که: ای جبرائیل آدم غریب‌دیر، آنینلا مؤانست قیلگیل:

آه آتشیاری عشاقین سرایتسیز دگیل،

عاقبت هر غم یئتر پایانه غایت سیز دگیل».

همین گونه نزدیک بیست و اندی حکایت ضمنی از مصائب حضرت آدم (ع) بیان می‌کند و سپس از

حضرت نوح (ع) که نهمصد سال گرفتار سیاست سفهای قوم بود، حضرت ابراهیم خلیل (ع)، حضرت یعقوب

(ع)، حضرت یوسف (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت ایوب (ع)، حضرت عیسا (ع)، زکریا (ع) و یحیا (ع)

سخن می‌گوید. این باب در واقع تلخیصی از قصص قرآن و بیان حکمت مستتر در آنهاست با برداشتی عاطفی

و پیوند دادن با ماجراهای گوناگون کربلا. بدین گونه که در ذکر هر ماجرای محنت‌خیز از مصائب انبیاء، گریزی

به یکی از حوادث کربلا می‌زند؛ مثلاً در حادثه امتناع برادران حضرت یوسف از آب دادن به وی و گرفتن

مشربه از سوی شمعون از دست وی، یکباره اشک از چشمان مؤمنان در می‌آورد و خشم در دل‌هایشان بیدار

می‌سازد و می‌گوید: